

یک اقدام تاریخی

همکاری با امپریالیسم آمریکا از طرف اتحاد شوروی، پیمان دفاعی و رتورابتند ریچ به آلت اجرای مقاصد تنگ نظرانه و شوینستی و غیران رویزیونیست شوروی در آوردن پیمان و رشود ر دست رویزیونیست‌های شوروی وسیله‌ای گردید برای آنکه کشورهای اروپای شرقی را به مناطق نفوذ خود تبدیل کند. نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را به مناطق دیگر توسعه و با امپریالیست‌ها به بندوست‌های سیاسی ببرد از آن.

د او در سته حروشف با تامل به این اندیشه نادرست که نیروی دفاعی اتحاد شوروی به تنهایی کافی است برای آنکه هرگز از ور اسرجای خود بنشانند تشوید شورهای غرضیمان را از تقویت نیروی دفاعی خویش باز دارد و آنها را در زیر حمایت کشور شوروی قرار دهد. د او در سته خروشف از قبول حقوق متساوی کشورهای مغفود - د او در امور مربوط به پیمان و رشواستماع ورزید و کلیه امور پیمان را در دست خویش متمرکز ساخت.

طی سالهای اخیر اتحاد شوروی با تکیه بر پیمان و رشو - اقداماتی نظیر قرارداد های مربوط به اصلاح امنی دست زد که به زیان سوسیالیسم کمیزان انقلاب و سود امپریالیسم امریکا است. با استفاده از پیمان و رشو د اتحاد شوروی و همد ستان شویدند از مبارزه آزاد بیخس خلق و پیمان جلوگیری د آنها با ظواهر خود را مدافع خلقهای عرب جلوه داد و امید همد - ولی در پشت سراز هیچ اقدامی برای بازداشتن خلقهای عرب از مبارزه علیه اسرائیل کوتاهی نکردند. د تجا ورزیونیست‌های شوروی و همد ستان شیسه - جگوسلاوی بروشنی نشان مید همد که پیمان و رشوا وسیله دفاع - کشورهای سوسیالیستی در برابر امپریالیسم بوسیله تجا و رشو - اعضای این پیمان تبدیل کردید هاست. رفیق شیخوید رستی خاطر نشان میسازد که: " پیمان و رشود یک در خدمت صلح و سوسیالیسم نیست هه انترناسیونالیسم پرولتری و هه آرمان طبقه کارگر خدمت نمیکند. ه پایه ایدئولوژیک و طبقاتی اولیه خود را از دست داد ه است. اکنون این پیمان در خدمت بورژوازی و رویزیونیست است. در خدمت منافع تنگ نظرانه شوینستی ملت بزرگ است که از خصوصیات رهبری رویزیونیست شوروی است. د ه در خدمت اتحاد عمد انقلابی امریکا و شوروی بخاطر تسلط بر جهان است. د این پیمان مانند پیمان اتلانتیک شمالی که در اس آن امریکا قرار دارد، هه آلت تجا و رشو علیه خلقهای تبدیل کردید ه است. " ماباشخون از پیمان و رشو ستانم جهانان نشان مید هیم که خلق آلبانی مناطق نفوذ یری اید رت‌های بزرگ امپریالیست رویزیونیست برسمیت نمیشناسد و قبول نمیکند که در یک پیمان تجا و رشو شرکت جوید. "

حزب کارآلبانی و دولت جمهوری خود های آلبانی وظیفه خود را در قبال پیمان و رشو خوب انجام دادند. آنها تشویدند این پیمان را در رچار چوب هد فهاییکه بخاطر

د تاریخ ۲۱ سپتامبر مجلس خود های جمهوری خود های آلبانی پس از استماع سخنرانی محمد شیخو خود فترسیاسی شوید مرکزی حزب د آلبانی و رئیس شورای وزیران جمهوری خود های آلبانی وحت در برامون آن تصویب نامهای صادر نمود که در آن پیمان تجا و رشو را محکوم ساخت و حروج جمهوری خود های آلبانی را از این پیمان اعلام داشت.

انور خوجه رهبر بزرگ خلق آلبانی در گزارش خود به کنفرانس پنجم حزب کارآلبانی چنین گفت: " حزب ما دولت مداخله اقداما جنایتکارانه رویزیونیست‌های خروشف و وابستگان آنها که پیمان و رشو شوروی ستان اقتصادی را وسیله اعمال فشار ه مداخله و تجا و رشو علیه کشور ما قرار مید همد صحنه مبارزه کرده و میشد. هسا از حقوق خود تا پایان دفاع خواهیم کرد و حیانت و توطئه های تزارهای جدید کاک کرملین را علیه منافع حقوق آلبانی و همچنین علیه حقوق و منافع صلح و سوسیالیسم با قاطعیت افشا خواهیم نمود. "

خروج جمهوری خود های آلبانی از پیمان و رشو نمود از این چنین مبارزه و پایان مرحله نا آراست. اقدامی بنام معنی انقلابی است. حاکی از شیوه اقتدار و اتحاد بنس خلق آلبانی و وفاداری عمیق حزب د او در دولت آلبانی به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است. د موعقی که رویزیونیست‌های جگوسلاوی حلقهای این کشور را از مبارزه با اشغال میهن خویش باز مید آرند و هر روز بیشتر در برابر راه زمامداران مسکولیم میشوند جهت خود ما د آلبانی با اقدام انقلابی خود وظیفه خود را در پیشگاه خلق آلبانی و حلقهای شورهای پیمان و رشو هه ریشگاه انقلاب جهانی با سر بلند ی و افتخار انجام داد. ماب این اقدام خیره سنگینی بر سیاست شوینستی رویزیونیست‌های شوروی وارد ساخت و از این راه مبارزه خلقهای شورهای پیمان و رشو علیه رویزیونیست‌های خود و یگانه تیروخشد. "

پیمان و رشو در سال ۱۹۵۵ میان کشورهای سوسیالیستی اروپا منعقد کردید با پذیرش کشورهای دفاعی مشترک کنیا متعارضی و مرزهای آنها را در برابر امپریالیسم رویزیونیست و برابری در سوا پیمان اتلانتیک شمالی که امپریالیسم امریکا را آراست حفظ و حرارت نماید و همکاری کشورهای سوسیالیستی را در تمام زمینه ها بر اساس اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری توسعه دهد و تقویت کند. " کسبستی کشور بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی خط مشی مارکسیستی این حزب را در کفرین کرد انید رویزیونیسم خط مشی ضد انقلابی و شوینستی ملت بزرگ را بجد آن نشانید. " کشور بیستم‌های اتحاد شوروی و هه اید از کشورهای سوسیالیستی نقطه چیرخنی بود و برای نهخت انقلاب جهانی شمرات تلخی به آ آورد. " اتحاد خط مشی رویزیونیستی و شوینستی ه اتحاد سیاست

مسکو: گروه و صهیونی

عبارت فوق عنوان یکی از مقاله های روزنامه معلوم الحال اطلاعات بمناسبت مسافرت اخیر محمد رضاشاه به شوروی است. مطبوعات درباری ایران این گروهی و صهیونیت را با خروستی میگرد و ولی اتحاد را این جشن تنهانیستند. مطبوعات شوروی نیز که روزی بیانگر آرمانهای زحمتکشان جهان بودند امروزه این گروهی و صهیونیت میان رجال شوروی ورزیم نکت با ایران را با مسرت برگرد میگرد.

"حضرت" یادگوری خاطر نشان میسازد که همکاری اتحاد شوروی و ایران سال به سال قریب صودی مییاید و مفتخر است که ه دیدار و دید های رجال دولتی اتحاد شوروی با ایران و ملاقات های ایشان به سمت نیکی میدل شده است. محمد رضاشاه نیز از اعتماد بزرگ مابین طرفین دهیزند و با خوشبختی شد که میگرد که مطالب مورد بحث طرفین بعدی با سهولت و حسن تفاهم پیشو میکند که مابین نتیجه رسید هیم که متونیم اساس ارتباط و مسکلترا بر پایه اعتماد بزرگ قرار هیم. "

بدیهی است ه این اعتماد بزرگ از نظر ملل اتحاد شوروی و ایران مفهوم دیگری بجز خیانت بزرگ ندارد. ملل شوروی و ایران بخوبی مید انند که عرض اصلی این مقاله سیاسی چیست. آگسی کاسکیین اظهار مید ارد: " ما ملل از طرف دولت شوروی و مردم این کشور به شاهنشاه ایران خیر مقدم بگویم و خوشبختی دولت و مردم این کشور را از اینکه میهمانان عالیقدر خود را در کشورشان میبینند اظهار تمنایم. ه ما خوشبختیم از اینکه اشتن روایت خوب با ایران امکان مید هید یکدیگر را بیشتر ملاقات کنیوگان میگرد. زیان نیز مرگ مسافرت شاهنشاه و شهبانور به اتحاد شوروی بهمین ترتیب تلقی کنند. " در این جمیلات تنهانیی از حقیقت نهفته است ه دولت شوروی و دولت محمد رضاشاه از این دیدار و دید هه و سازشهای خائن حرسند ولی مردم شوروی و ایران از این ماجرا تنها احساس رنگد خوش ندارند. کدام عقل سالم میخواند بید یورد که کارگران د هفانان زحمتکشان و کمونیست‌های واقعی شوروی در خود از اینکه شاهنشاه و شهبانور را در همین لنین و استالین - میبینی کتا قبل از گردن‌های خروشف و مسافرت تا موثر بر پای هیچ شاهنشاه و شهبانوشی بدان راه نیافته بود - میبینند احساس خوشبختی نمایند؟ آغاز دوستی شاه و رجال شوروی همزمان با گردن‌های د او در سته خروشف و شوروی و برانداختن تد ریجی حکومت کارگران بود. ه ه راند از هه خروشف و وریشش از آرمانهای طبقه کارگر بیشتر دوری گرفتند. ارتباطشان با دست نشاندگان امپریالیسم از جمله با محمد رضاشاه محکمتر کردید. این ارتباط بزرگی بصورت یک نیاز ضروری طرفین درآمد. روز محمد رضاشاه برای تحکیم پایه های لوزان حکومت خود نیازمند به اعتماد اقتصادی و نظامی رویزیونیست‌های شوروی شد. حکومت رویزیونیستی شوروی نیز به علت روی جستن از امپریالیست‌های اشغالی سوسیالیستی ناگزیر به سرمایه داری اتحاد بد بین خه پایستی با امپریالیست‌ها در راه عارت تروت‌های ملی شورهای عقب مانده شریک کرد. تا از این راه بتواند بحرانهای اقتصادی را که ناشی از سیاست اقتصادی غیر سوسیالیستی است تاخیر اندازد: "

برای شرکت در عارت‌های امپریالیستی نیاز به زمینی مسالت - آمیز خروشفی بود. نیاز به همکاری با امپریالیست‌ها با حکومت دست نشاند آنها بود. روزنامه اطلاعات در واقع با توجه به این مقدمه نوشت: " همکاری‌های کنونی ایران و شوروی نمونه بارزی است از این نوع همکاری شرافتمندانه و سالم. (البته شرافت و سلامتی که اطلاعات معتقد بآنست.) ایران از اولین کشورهای بود که

پیاد قیرباران شدگان کردستان

مردم را فراهم سازد. این حیالی است که هه جنایتکاران تاریخ در رسد اشته اند و دارند و پلان آنرا تاریخ پیوسته نشان داده و حواهد داد.

وضع کنونی کردستان با سالهای پیش از جنگ دوم که ساتراپیهای رضاخانی مردم سختی کشید ه آموزشندید ه تشنه آرامش و آسایش را در رجز میگرد اشته و رگج میگردند. برای یک سکه طلا خانواد ه ای را نابود میگردند که کوش زنان را با گوشواره میگردند تفاوتی ساسی دارد. اکنون مبارزه خلق کرد مانند سایر خلقهای ایران بد رجه عالی تری آراکاهی سیاسی رسید هاست. اکنون پیشاهنگان خلق کرد روز روز بیشتر با این حقیقت بی میگردند که حکومت ارتجاعی و فاسد دست نشاند ه امپریالیسم را فقط از راه تشکل سیاسی ه دست در دست هه حلقهای ایران و بوسیله قهرانقلابی میوان سرنگون ساخت. بهزاداری هیئت حاکمه ایران هرچه بیشتر شوژنم توده خلق مبارزه و تحصیل بیروزی را سخ تر حواهد شد. " بلنت از زود هه کنیو ترشو. " از هم اکنون میوان امید وار بود که خلق کرد در مبارزه حلقهای ایران بر ضد ارتجاع و امپریالیسم سهم بزرگی ایفا خواهد کرد. "

در نیال شهادت اسمعیل شریف زاده و یارانش ه این فرزند ان شایسته خلق که در برابر تنهاکارهای حکومت محمد رضا شامقاومت مسلح دست زده بودند ه جنایات جدیدی در کردستان بوقوع مییوند. ه مقامات دولتی که از خشم مردم بهراس افتاد هاند سر اسیمه و ایشکار چوانان مبار خلق کرد دست کشوده اند. گناه این جوانان " مقاومت در برابر فریاد انتظامی " است و عجیب نیست اگر فریاد انتظامی که خود مظهر شرارت است آنها را بنام " اشترار " معرفی میگرد. روزنامه بیسی کیهان که در ه همراه خبرنگاریاران شدن جوان بیست و پنج ساله ای را اعلام داشت آدم کشی های مقامات ارتشی را در کردستان محرومانه اینطور ترانژندی کرد: " بانیان اران شدن او " عد متیباران شدگان در منطقه عرب کشور ه ۱۰ نفر رسید. " فقط در منطقه عرب و در مدتی کشارتیک هفده نفر متیباران شدند. د نغره د ه جوان سرشار از زندگی که آنها را خلق کرد با هزار آرزو در امان آزا دی پرورش داده بود ناگهان ور پریدند! قلب هه حلقهای ایران از این حادثه حورن است. حکومت کرد تا بر آست که مابین د رند کیها و مویجات ارتاب

پیروز باد مبارزه قهر آمیز خلق دلاور فلسطین

پیک ایران

معرفی کرد؟ - پیک ایران، چه کسی ماجراجویی و سپین‌سلیسم طلبی حروشی را در برابر امپریالیسم آمریکا در جاده دریا و کارائیب و خلیج فارس و راه مصالح خلق کوبا " پیروزی خرد و صلح" نامید؟ - پیک ایران، چه کسی بر این حقیقت که ریزش‌های شوروی در سازمان ملل با اعزام ارتش آمریکا به شکورای دادند و با این طریق دست خویش را بحدون پاتریس لومبیا ۴ این قهرمان شیفته آزادی و فروریورند سریش گشت و دستیار و خیمیان را دست‌آورد از شهیدان قلند ار کرد؟ - پیک ایران، چه کسی پیرهن چاک زده و میزند سلاح اتش در انحصار امپریالیسم آمریکا و ریزش‌های شوروی باقی ماند تا بایه ای برای تأمین سلطه جانی آن دو اسارت کند؟ - پیک ایران، چه کسی سیاست ریزش‌های نیستی‌های شوروی را در "آرام کردن ورام کردن" و دونه‌های عربی و یازد اشتن آنها از مقاومت توده ای در برابر تهاجم اسرائیل بعنوان سیاستی عاقلانه تشریح و توجیح کرده و می‌کند؟ - پیک ایران، چه کسی لشکرکشی ریزش‌های شوروی به چکسلواکی و اشغال فاتحیت مابانه آن کشور را در انطباق با حفظ استقلال و حاکمیت چکسلواکی و مبنی بر " مصالح سوسیالیسم" تهره و می‌شمارد؟ - پیک ایران، چه کسی زبانه های دروغ و جعلی، تحریف، افترا، و دشنام را از زبانه های جهان و بیوزنه از کارگاه ریزش‌های شوروی آورده و او را ناسانغبر شوروی مارکسیست‌ها -

لنینیست‌های جهان و بیوزنه حزب کمونیست چین و حزب لارآلبانی ویزکرین مارکسیست - لنینیست معاصر و رفیق مائوتسه دون

" مارکس در سراسر زندگی خود ش کسانتی واکه میکشند روح انقلابی کارگران را خاموش کند بیجوب می‌بست (لنین) . منظور از " لسانی که میکشند روح انقلابی کارگران را خاموش کند " مترجمان صریح و آشکار نیست، اینگونه مترجمان صریحاً می‌گویند و می‌فهماندند که برای توده ر زحمتکش خلق قائل نیستند . کتارورناتر آنها خاموش کنند روح انقلابی کارگران و دیر زحمتکش نیست بلکه برافروزند ه آنتس، منظور از " لسانی که میکشند روح انقلابی کارگران را خاموش کند " لسانی هستند که نقاب طرفداران از زحمتکشان برجسته دارند، زبان انقلابیون را بعبارت می‌کشند و زحمتکشان را بد نبال خود میکشند و آنگاه بجای آنکه آنها را به جرم سرد شدن و بی‌برتری کنند به خیال پرستی، بی‌حرکتی و بی‌سوی کسی در یای در دمن امید آرند .

ریزش‌های شوروی از زمره این کسان اند، خفه کنند مروح انقلابی مردم ایران اند و راه یوی پیک ایران یکی از افزای‌های آنهاست . این " پیک ایران" مدعی است که زبان " بی‌بند " خلقی در دهان اوست، بیاد کرمصائب خلق مرگه میکشند، شعلای دار و تنزیه خوان است، اشکی را که در آستین دارد چپ و راست سرازیر میکند، برجسب مارکسیسم به کالای خود میزند، ولی آنگاه مرورانه هرگونه تهره هرگونه انقلاب را که در ذهن خلق سرازیر می‌شود با سوهان ابروتونیس میساید، نواشی که این پیک در آغوش میساید همان نواشی است که گوش ارتجاع و امپریالیسم را نوازش میدهد، اگر کتارهای این پیک را از زیرایه های عاوشی خود برهنه سازیم چنین خلاصه ای باقی میماند:

مردم ایران! رنجهای شما بی حساب است، ما اینک آنها را از روی روزنامه‌های ایران که تحت نظارت سازمان امنیت انیسید می‌شماریم، ولی شما باید قدرت تجزیه و تحلیل " مارکسیستی" را باشید و بدانید که در ایران جریان مثبتی از هیئت حاشه و شخص محمد رضاشاه سرچشمه گرفته است، " اصلاحات ارضی" بطور عینی مثبت است، " عاشق و مغازله شاه و شوروی" بصورتی مثبت است و مثبت تر است، " آزادی شاهانه که به زنان هدیه شد" بطور عینی مثبت است، تشکیل اتحادیه های پلیسی بصورتی مثبت است، " خریدار سلحه برای سرکوب مردم بشرط آنکه مارک و ریویو نیستند" ادا شده باشد بصورتی مثبت است، " ساختن کارخانه زوب آهن که نظیرش در امپریالیست‌های آمریکا و آلمان و ریزش‌های نیستی‌های شوروی در هند ساخته اند نمان استقلال اقتصادی ایران است، رژیم محمد رضاشاه پیوسته در حال عقب نشینی است و میتوان آنرا از راه " مبارزه سلامت آمیز" تاحد رژیم " غیرسومالیسم" داری " بعقب راند، مبارزان ایران! آهسته برانید تار و ریز را از حرکت بسوی ترقی و تعالی نرمانید! سرهای انقلابی خود را بدین یا که چماق های مایکی بعد از بکری آماده کار است؛ " بلانکیسم"، " آوانتوریسم"، " دکاتیسم"، " چپ"، " چپ نو"، " چپ و"، " چپ نما"، " دارو شده مائو"، " خون بی‌بی و" و نیسز چماق های دیگر که سفارش ساخت آنها با کارخانه های مسکوداده شده است.

بدیهی است که چنین پیک پیک ایران نیست، پیک اسارت گران و اسارت پسندان ایران است، فقط بدان معنی میتوان او را " زبان بی‌بند" نامید که بهیچ اصلی از انقلاب پایبند نیست، از ایران و برای ایران سخن نمیگوید، علت وجودی او رانه در مصالح والای ملت ایران بلکه در منافع پلید ریزش‌های شوروی باید جستجو کرد، این پیک در درجه اول سخنگوی ریزش‌های شوروی است، پراکنده نظریات ضد انقلابی آنهاست، توجیح کند و سازش آنها با امپریالیسم آمریکا بر ضد خلقهای جهان است، ستایشگر احیاء سومالیسم داری در اتحاد شوروی است، چشمه زهرآلود است از تهمت و افترا، در دشنام بر ضد رژیم سوسیالیسم یعنی جمهوری توده ای چین و مشعل در سوسیالیسم در آریایه‌نسی جمهوری توده ای آلبانی .

چشمه مسکود شده های ۲۰ و ۲۲ را که آورند و تدوین کنند و ریزش‌های شوروی معاصر شما را می‌آیند کتارهای تاریخی نامیده و می‌نامند و بصیحات آنها را برای گله احزاب کمونیستی و کارگری جهان " لازم الاتباع" دانسته و میدانند و برنامه ابروتونستی مصوب کتار ۲۲ را " مانیفست کمونیست" لقب داده است؟ - پیک ایران - چه کسی خورشید و این بزرگترین خاشاک و این بزرگترین اشعابگر جنبش کمونیستی و کارگری، این بر باد و هنده حدیث عظیم خلق قهرمان شوروی و این آستان بوسه زبون امپریالیسم آمریکا را آفریننده، " روش خلق در عرصه تاریخ معاصر" کسی نه شخصیت برجسته انی بزرگات و مرآت انسان را بحدود جلب کرده است؟ " بت شکن" و " ناسازگار با جمود فکری و سالیوسی و ناسازگار

می‌باشد؟ - پیک ایران، چه کسی پیروزیهای شکوفه جمهوری توده ای چین را در امر تأمین ر سوسیالیستی ۶ و انفجار بسب های انسی و هدیه رزنی او را ه نخله امید در دل گلیه حلقه‌ای نیفته آزادی، برافروختن با هزار سلسله تخته می‌کند؟ - پیک ایران، چه کسی بانقبط کبیر و ولتا ریائی فرهنگی چین که رنگارنگ است و تلووی سیاست، فرهنگ، سن و آداب و بورژوازی را از عرصه چین میزاید و زرق‌ترین نهاد بشری را شست‌وسویده هد ماند هارترین نمایندگان امپریالیسم کینه می‌نور؟ - پیک ایران .

اماد رواق آنکه این اندیشه هارامیافتند و این گفتارها را میسرانند پیک ایران نیست، پیک ریزش‌های شوروی و تسلیم ظلمان، سازشکاران و مرتدان و خیشا شنکاران ایرانی است.

بروشهای این پیک در برابر محمد رضاشاه و رژیم اوستیتر - دقت کنید، چه وقت حمله می‌کند؟ چه وقت دشنام میدهد؟

چه وقت آرام میکشید؟ کی رام می‌شود؟ کی چرب زبانی میکند؟

همیچک از این روشها مصالح مارزات روز خلق ایران سر چشمه نمیکرد، منشأ آنها را علی الاصول باید رجای دیگر جستجو کرد؛ در روابط محمد رضاشاه با ریزش‌های شوروی .

روزی که محمد رضاشاه هنوز از جانب بورژوازی کان امپریالیست خود اشاره اند محرم بر زبانی، به ریزش‌های شوروی می‌نویسد و دست در بسینه ایشان می‌کند از پیک ایران پرجاشگراست

مهاجم است، غلیل بزرگ را می‌بلید، روزی که محمد رضاشاه " قول سراری" به حکماری با ریزش‌های شوروی می‌دهد و کتار از سفره غارتی ایران را بنوک جگمه خود بدلوی آنها می‌کند پیک ایران حوسر در پرتزاکت و جاهله کوپول خود ش آبرو کشی است، این را بیوسله

ایست در دست ریزش‌های شوروی برای تهدید و بیاتحسب محمد رضاشاه و نبل به سود اکره‌های ننگین سیاسی و اقتصادی .

کبهان بنقل مدیحه سرائیهای مقامات رسمی شوروی و روزنامه های ایروستیا و پروادا پیردازند . ریزش‌های حزب توده ایران می پندارند که با ظفر و ترش و با " سکوت دیپلماتیک" میتوانند از اشتیاج خلق ایران که آنها را بر ضد ملی اتهام نشاندند است بگریزند . ریزش‌های حزب توده ایران باید

در این مسئله اساسی بطور صریح موضع گیری کنند :

یا - آنطور که ریزش‌های شوروی بدون هیچگونه ابهامی بارها بیان کرده اند - محمد رضاشاه دارای " سیاست مستقل ملی" است، بر ضد استعمار مبارزه میکند و منبع ترقی و استحکام اقتصاد و فرهنگ " ایران است و با اصلاحات دست

زده است و در اینصورت باید از او به پیروی از ریزش‌های شوروی پشتیبانی کرد و یا - آنطور که خلق ایران با پوست و گوشت خود احساس میکند - محمد رضاشاه اجرا کننده سیاست ضد ملی امپریالیست‌ها و آلت اجرای اصلاحات نو استعماری و سوداگر استقلال و آزادی ایران و در خدمت توده های زحمتکش است و در اینصورت باید او و رژیمش را سرنگون ساخت و پشتیبانان امپریالیسم و ریزش‌های او را از ایران راند .

حالت سومی وجود ندارد . در حقیقت ریزش‌های حزب توده ایران حالت نخستین را قبول دارند و وگرنه کسی نمیتواند با پشتیبانان و هم آغوشان محمد رضاشاه " همسنگی انترو سینیالیستی" داشته باشد و آستانه آنها را قله خود بشناسد و آنگاه از مبارزه با محمد رضاشاه و رژیمش دم بزند .

چنین دم زدن فقط افسون گش است، فقط اغفال توده های مردم است . ریزش‌های حزب توده ایران در واقع همان قضاوت ریزش‌های شوروی را در باره محمد رضاشاه و رژیم کودتا دارند . ولی قضاوت خود را در عباراتی پوشیده ، و پهلوی و مضاد بیان میکنند . ما نمونه های این قضاوت را در مقالات گذشته تسوان نشان دادیم و اینت نظرات ریزش‌های شوروی در باره حکومت ایران تعبیر روشنی از قضاوت ریزش‌های حزب توده ایران و گواه محضی بصحت استدالات همیشگی ماست .

مسکو: گرم و صمیمی بقیه از هر .

از دو جهت قربانی این " همگاری شرافتمندانه و سالم" گردید: نخست اینکه رژیم شوروی و اختناق محمد رضاشاهی برای مدتی طولانی تر تشبیه گردید و دوم اینکه در عرصه اقتصاد ایران حریت نیرومند جدیدی کام گذاشت تا شرت‌های ملی ایران را بریاید و

مازاد تولیدات خود را بیابازار این کشور تحمیل نماید . دست بهمین خاطر است که بقول " حضرت پاد کورنی": همگاری دولتنین " سال بسال قوس صعودی میساید" و بقول روزنامه معلوم الحال

اطلاعات " در تاریخ روابط ایران و شوروی هیچگاه دوستی و همگاری فیما بین با این حد وسیع و عمیق و مؤثر نبوده است" روزنامه

اطلاعات با خوشحالی خاطر نشان میسازد که " روسیه امروز . . . آن روسیه خشن و غیر قابل انعطاف نیم قرن اول دوران انقلاب، نیست . قوس صعودی همگاری دولتنین در دست از اینجا ناشی

میشود که طرفین میان خود تضادی نمی‌بینند . " حضرت پاد کورنی خط منی شاه را در غالب زمینه‌ها میساید بنا به اظهار رسمی او

" در اتحاد شوروی نسبت بخلق منی ایران داتر به پیروی از سیاست خارجی، مستقل و نسبت به اصلاحاتی که در اثر آن بنفسم

ترقی و استحکام اقتصاد و فرهنگ آن صورت میکشود توجه خاصی

میدول میکشود" . او مضمخ است که اعتراف کند که " روش اتحاد شوروی و ایران در مورد بسیاری از مسائل سیاست خارجی

کوتنی مطابق با نزدیک است . " این سخنان بزبان بی زبانی اعتراف با این واقعیت است که نظر دولتنین شوروی و ایران در مورد

مسائل جهانی عمده ای مانند مسئله ویتنام، مسئله تجاروکاری امیر پالیسم و نوکران اسرافیلیشان بخلقهای عرب، مسئله جنایت‌های گس

از سوی امپریالیسم و ارتجاع بین المللی نسبت بخلقهای جهان صورت میکشود یا مطابق یکدیگر است و یا لافل نزدیک یکدیگر . تنها بایستی تا فرق سرد گرداب ریزش‌های غرقه بود تا

بتوان نگرسی آسمان را بر زیریای جلادان و مترجمانی مانند محمد رضاشاه نهاد و مانند " حضرت پاد کورنی محمد رضاشاه را جز " میوه های صلح" و مقاوم " در برابر قوای امپریالیستی و استعمار" دانست

و مدعی گشت که " رئیس مملکت ایران در از زبانی وحل مهمترین مسئله کونونی دارای رویه واقع بینانه ای میاشد و راه دوستی و

همگاری با اتحاد شوروی را تحقیق میساید" . همد استانی ریزش - یونست‌های شوروی با جلاد ایران آنقدر بی پرده و فضیحت بسار

است که ریزش‌های حزب توده ایران را دچار محظور ساخته است . در تمام مدتی که محمد رضاشاه در اتحاد شوروی بسر میبرد

و ادیبی پیک ایران کله ای هم از جنایات او بر زبان نراند و اصولاً از تقسیر مسامت او که بزرگترین مسئله روز در کشور بود باز

ایستاد . ولی بیتر از این نتوانست استقبال ریزش‌های شوروی رود و مانند روزنامه های درباری نظیر اطلاعات و

فرخی

بیست و نه سال پیش در روز ۲۵ مهر ماه ۱۳۱۸ فرخی یزدی " لب دوحته " شاعر آزاد حیوه " روزنامه نگار و مبارز ایران در زندان

شهریانی بدست دوحیمان رضاشاه بختل رسید

این رباعی از اوست :
 هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد
 در بیم رضا حیان در بیم نشد
 ای جان بقدا آنکه پیش دشمن
 تسلیم نبود جان و تسلیم نشد

تابنده باد هومانیته نوین

انتشار نخستین شماره دوره محفی روزنامه "هومانیته نوین" ارکان حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه مایه شادمانی و امید همه مارکسیستها - لنینیستهاست.

دولت انحصارهای فرانسه در ارتداد بنشین عظیم انقلابی کار - کران و دانشجویان ۵۴۲۰۰۰ (۲۲ ژوئن ۱۹۶۸) حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه را باستاند تصویب نامه ادکه در ۱۹۶۶ و تحت فشار بوده های زحمتکش فرانسه بمنظور مبارزه با باند های فاشیستی صادر شده بود عیرقانونی اعلام کرد. دولت فرانسه از آنچه است باین اقدام فاشیستی دست زد که از اختلال روزافزون نفوذ و اعتبار حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه در میان خلق بهرسان افتاده بود. مارکسیست - لنینیستهای فرانسه در سخت مبادی ژوئن همواره در کارزارگران و دانشجویان جای گرفته آنها را بر ضد دولت انحصارهای فرانسه، بر ضد رویزیونیستهای دستیار بورژوازی رهبری میکردند و از اتواضع کرایشهای نا درست بر حذر میداشتند. حوادث تابستان امسال یوته آزمایشی بود که عیار شوروی و خط مشی انقلابی حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه را پیش از این نشان میداد و چشم توده هارابوری حقایق میکشید و رویروای فرانسه نمیتوانست از این پدیده دچار سراسیمگی نشود. غیرقانونی کردن حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه گواهی ضعف بورژوازی فرانسه است و این ننگه را آشکار میسازد. هاین بورژوازی نمیتواند حتی به لیبرالیسم بورژوازی نیز وفادار بماند و در برابر طبعیان توده هاناجاز توسل به شیوه های فاشیستی است غیرقانونی کردن حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه در واقع "هدیه" است که بورژوازی انحصارهای فرانسه به همدستان طبقاتی خویش یعنی رویزیونیستهای فرانسه (حزب وادک روشه) تقدیم میکند. این در در دست تمام مسائل سیاسی و سازمانی خود را در راه در هم نکتستن اختصامات بینظیر کارگران و طبعیان در لاورانه دانشجویان بلند برود در ۲۴ ماهه برای آنکه بورژوازی فرانسه را ازین بست بیرون آورد در مجلس فرانسه پیشنهاد انتخاباتی را مطرح ساخت و همان پیشنهادی که یک هفته بعد مورد استقبال و تزلزل دوکی قرار گرفت و بسود مرتجع ترین جناح بورژوازی فرانسه بوقوع عمل درآمد. بورژوازی فرانسه بیاس این خیانت بزرگ رویزیونیستها آزادی عمل در ادعای واقعی از راد یو و تلویزیون دولتی را در اختیار آنها گذاشت تا نقض خویش را در افعال کارگران و زحمتکشان و خدمت به بورژوازی فرانسه هر چه بهتر و کاملتر ایفا کند. اما همین بورژوازی حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه را غیر قانونی کرد تا راه حکومت خود و خیانت رویزیونیستها را هموار کرده باشد. این رفتار دوگانه بورژوازی فرانسه که با یک دست بنوازش حزب وادک روشه میرد از و با دست دیگر بر حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه خنجر میزند بخودی خود از ماهیت رویزیونیست و اپورتونیست این یک و سرشت مارکسیستی - لنینیستی این یک پرده بر میدارد.

در نخستین شماره دوره منعی "هومانیته نوین" در پایان مقاله ای بعنوان "حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه

در مبارزه مخفی خود با الهام گرفتن از اندیشه مائوتسه در انقلاب کبیر فرهنگی رشد خواهد یافت" چنین میخوانیم: "مبارزه دشوار و طولانی خواهد بود ولی بیگمان پیروزگر خواهد بود. انجامیده خواهیم و با یاری رسانید دستان! بکار بپردازید و مبارزه را ادامه دهید. در فرانسه خواهیم انقلاب پیروزیمند. پرولتری واد فرانسه فعلا نغندار کمیتیم در زیر درفش ظفرخش مارکس انگلس لنین استالین و ماوتو - تسمه درین پیشتی!"

حق ملت های ایران... بقیه از ص... و ملت های وابسته به خود استعمار مالی، بر ضد اسارت سیاسی و افتای فرهنگی این مستعمره و این ملتها از طرف بورژوازی امپریالیستی ملت مسلط. در چنین شرایطی (در سال ۱۹۶۵) - بقول استالین - مبارزه بورژوازی های ملل مختلف یوکوسلاوی با یکدیگر دارای اهمیت چند انسی نیست. مبارزه توده های این ملل بر ضد امپریالیسم مهم است. در کشور ما ایران نیز امروز مبارزه توده های ملل مختلف بر ضد امپریالیسم دارای نقش درجه اول است و ماهیت مسئله ملی راتشکیل میدهد نه مبارزه بورژوازی های این ملل با یکدیگر. رویزیونیستها که مسئله ملی راد کشور ما فقط در چارچوب این کشور و محیط رقابت میان بورژوازی های ملل مختلف ایران در نظر میگیرند به آثاری از کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم استناد میجویند که بدون توجه باینکه تاریخ نگارش آن آثار پیش از جنگ اول جهانی و فراسیدن دوران انقلابات پرولتاریائی و مستعمراتی است و مسئله ملی در دوران کنونی همانطور که لنین و استالین متذکر شده اند (مثله جهانی است) مسئله مبارزه ملل مستعمره و وابسته بر ضد امپریالیسم است.

تزاریمیکم که بنظر مارکسیستها - لنینیستها حل مسئله ملی در ایران فقط با سرنگون ساختن حکومت طبقات ارجاعی و محو سلطه امپریالیسم مسیح خواهد بود.

در قراقرز زمان توفان "در باره مسئله ملی" بازگفته میشود که "فقط تساری کامل است که میتواند ملت های ایران راد مبارزه با امپریالیسم و حکومت دست نشانده آن، در استقرار حکومت ملی و دموکراتیک و سپس راد اخل آن حکومت بر اساس اصل دواطلبی متحد سازد".

مارکسیست - لنینیستها چوخته حق ملتها را در تعیین سرنوشت خود تاحد جدائی، محترم داشته و میدارند. یعنی هر ملتی از ملت های ایران حق دارد بر خیزد تصمیم بگیرد که بسا سا بیرونتها راد اخل دولت واحد بسرخواید برد و یا دولت جداگانه خویش راتشکیل خواهد داد. انگار این حق در حکم انداز تساری ملتها با یکدیگر، انداز حق حاکمیت این یا آن ملت است. انگار این حق به وحدت اموزی ملت های ایران در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم خیره شیشه وار در میآورد و امکان وحدت دموکراتیک آنها راد راد دولت واحد در فرود ای انقلاب متغی میسازد. انگار این حق از ناسیونالیسم بورژوازی سرچشمه میگیرد. اما باید بیسی است که "حق جدا شدن" بمعنای "لزوم جدا شدن" نیست. مارکسیست - لنینیستها برای هر ملتی "حق جدا شدن" میشناسند و لسی در عین حال فقط آنگاه با ستفاد از چنین حقی رای میدهند که مصالح تکامل انقلاب پرولتاریائی اقتضا کند. لنین حق جدا شدن ملتها را در هر شرایطی حق طلاق زوجین در خانواده تشبیه میگرد و میبکند همچنانکه فیول حق طلاق برای زوجین بمعنای از هم ناسیدن خانواده نیست بلکه برعکس وسیله تحکیم آن تاحد مدلی است حق جدا شدن برای ملتها بمعنای تشویق و ترغیب به تجزیه طلبی نیست بلکه وسیله تحکیم وحدت آنهاست. هر چه ساختمان دموکراتیک دولت با آزادی کامل جدائی نزد یگر باشد عملگر بخش راد جدائی، نادر تر و ضعیف تر خواهد بود زیرا که فواید و ولت های بزرگ از لحاظ ترقی اقتصادی و از لحاظ مصالح توده هاسلم است.

حزب طبقه کارگران ایران که مرتجع پیشاهنگان پرولتاریائی کیه ملل ایران خواهد بود و انقلاب دموکراتیک نوین راد رهبری خواهد کرد در حل مسئله ملی، اصل لینی حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش تاحد جدائی راد اهنای عمل خویش قرار خواهد داد و ملت های کعبان را راد از خود بر اساس اصل دواطلبی در چارچوب دولت انقلابی آینده میبندد از خود مختاری ملی برخوردار خواهد بود.

گذشته و آینده از ص... بلکه آراتنا حدودی موید رفتار جنا پیکرانه خود نسبت به این حزب و اعضای آن خواهند شمرد. اما آیا پیکر آن نیز از چنین آزادی برخوردارند؟ آیا طرح چنین مسائلی بویژه در مجالس رسمی به سازمان امنیت امکان نخواهد داد که بر روی واداران به طبقه کارگر انگشت گذارد بخصوص که نظر سازمان ماد براره حزب توده ایران با صراحت تمام انتشار یافته است؟ آنتهاشیکه این شیوه را برای مبارزه با مخالفین خود بداند میبزند شاید میتواند در شرایط خاص عیر عیروی خویش ازین مطمن باشند ولی اینها هم باید بداند که اگر عیروی اکنون با آنها است حقیقت با آنها نیست و این شیوه مبارزه هم سرانجام به ناکامی خواهد انجامید. بدیهی است مابان تحلیل و بررسی علمی و همه جانبه گذشته که بتواند به کشف حقایق و تمیز درست از نادرست کمک کند بر روی آینده در عیر عیر بیاید بهیچ وجه مخالف نیستیم. صحبت بر سر شیوه هائی است که برای تحلیل گذشته بد میروند. صحبت بر سر اینست که کسانی که گذشته را به پیش میکشند آنچه که مطلقا بد نیمانند بشند طبقه کارگر ایران و رسالت تاریخی آنست.

برخی نیز بنگونه "استدلال" میکنند که پیش از آغاز مبارزه باید واقعیت جامعه ایران را شناخت. بواهنوز جامعه خود را بد رشتی. وضعیت میبندسیم. بنا بر این وظیفه مارکسیست - لنینیستها کویا اینست که در حال حاضر به شناخت جامعه همت کارند. بدیهی است چنانچه مارکسیست - لنینیستها بد نال چنین "استدلال" بروند باید هرگز نه مبارزه ای را به آینده نامعلوم موکل سازند، به آینده ای نامعلوم باین علت که معلوم نیست ما چه موقع به شناخت جامعه خود توفیق خواهیم یافت و بویژه آنکه جامعه هیچگاه در یک نقطه متوقف نمیکرد و در درنگ و تعلل راد اخل است و معرفت مان نیز جامعه در یک نقطه نمیتواند متوقف کرد. در اینصورت چه موقع ما خواهیم توانست جامعه خود را بشناسیم؟

مارکسیسم - لنینیسم بد رستی میآورد که معرفت بجامعه در جریان پراتیک اجتماعی دست میدهند. معرفت بجامعه ایران نیز فقط در جریان پراتیک انقلابی و در جریان مبارزه طبقاتی در صحنه ایران امکان پذیر است. هیچ راه دیگری بران تصور نیست. ما جامعه ایران راد رخطوط کلی آن، تا آن اندازه که بتوان - ست مبارزه و شکل مبارزه و آرایش نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را دریافت میشناسیم. این وظیفه پرولتاریا و حزب آنست که با مبارزه انقلابی خود در شناخت عمیق و همه جانبه جامعه ایران و تعیین انقلابی آن بسود زحمتکشان بیسی ماکام بردارد. "حزب پرولتاریا هرگز شور و زمین حال که به حقیقت جهانشمول مارکسیسم لنینیسم معتقد است باید واقعیت را اساس قرار دهد، با توده ها از نزدیک پیوند یابد، تجربه ای را که در مبارزه دست میآورد بیوسته عزرا بندد و کند سیاست و تاکتیکی را که با واقعیت کشورش مطابقت داشته باشد بکار بندد" (از سرمانه زمین بین ژوئیه تا ۱۸ سپتامبر)

در حال حاضر باین وظیفه مارکسیست - لنینیستهای ایران است که با توجه به شرایط دشوار ایران به احیا حزب طبقه کارگر ایران همت کارند و کاههای نخستین راد راه انقلاب ایران بردارند. اینکار، ببتگاه و هوشیاری و روشن بینی فراوانی طلبند. جسارت و خورشید میخورد. مارکسیست - لنینیستها ایمن وفاداران براره طبقه کارگر یقین به این اوصاف شصت اند. ما اطمینان داریم که کره انقلاب ایران سرانجام اسرا نکتست مارکسیست - لنینیستها کند و خواهد شد. فرجام دیگری بر آن تصور نیست.

موان مدید گنکات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
حساب بانکی
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY



روزنامه تورقون بانکیه برتری خود بیست. انتشار هر شماره را باین روز - نامه با دشواریهای فراوان و بیروست، هر کله که مادی شفا قد می در راضقو میتوفان است. از هر کله که هر چقدر کوچک باشد خود داری نورزید. شاسفان بعلت وضع خاص تورقون احد آتو بوعا هان از طریق قادی میسی نیست. مبلغ بومان و امانه خود و سایر فرق واد و ستان را مستقیما بحساب بانکی تورقون بریزید و بیا از طریق دیگر ما برسانید. بهای تک شماره تورقون در ایران در وریال در ترکیه معادل ۱۰ وریال و در سایر کشورها معادل ۱۰ وریال است. بهای اشتراک سالیا نغزفان معادل صد وریال است.

گرامی باد پاد تیرباران شدگان کردستان

حق ملت‌های ایران در تعیین سر نوشت خویش

چنانکه در قرار سازمان ما " درباره مسئله ملی " منتشر در شماره ۱۲ روزنامه توقان آمده است مارکسیست‌ها - لنینیست‌ها با این مسئله از نظر نظر انقلاب و مومکراتیک نوین در ایران مینگرند . استالین میگوید : " مسئله حقوق ملت یک موضوع مغرور و مستقل نبوده بلکه جزئی است از مسئله انقلاب بیولنا ریائی ، و این جزئی طبعی کل بوده و از نظر نظر کل باید با آن نگاه کرد . " مارکسیست‌ها - لنینیست‌ها بر آنند که آنگاه که حکومت طبقات ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم در ایران برقرار می‌باشد حل رضایت بخش مسئله ملی و برخورداری ملت مختلف ایران از حق تعیین سر نوشت خویش غیرممکن است . پیروزی انقلاب و مومکراتیک نوین در ایران شرط اساسی حل مسئله ملی است . مسئله ملی جزئی از مسئله انقلاب ایران بشمار می‌آید . از این جهت همه ملت‌های ایران باید با رهبری حزب واحد طبقه کارگر ایران در راه تحقق بخشیدن به انقلاب و مومکراتیک نوین در سرانگشور کا هر د ایند تا پیروزی انقلاب مذکور زمینه حل مسئله ملی را فراهم آید . کسانی از زمین پرستان که می‌پندارند میتوان با سایر اشکونانگو (و از آنجمله باتوسل با سلحه) رژیم موجود ایران را به چنان عقب نشینی هائی در مسئله ملی وارد است و موضع آنچنان مساوی جدیدی در قانون اساسی نائل آمد که تأمین کننده حق ملت‌ها در تعیین سر نوشت خویش و یا اقل تأمین کننده خود مختاری آنها باشد عیفا در اشتباه اند . چنین انتظاری از دولت‌های ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم جز اینکه موجب غفلت ملتی کرد و ویا به پند وست‌های ناپایداری برسد و نهخت ملی را سوانجام . به شکست بکشاند نتیجه دیگر نخواهد داشت . اینک نمونه نهخت ملی کرد در کشور همسایه عراق را در برابر ماست . سالهاست که سران ایمن نهختن می‌کشند مسئله ملی را در گرد و ولت‌های عمیر مومکراتیک عراق حل کنند و تاکنون قدمی همه مقصود خود نبرد یک نشند ماند . ارتجاع عراق ق منتهی فرصت است که با آمادگی بیشتری بنهخت کرد بقصد نابود ساختن آن حمله ور کرد . مسئله ملی در عراق و ایران فقط بفتح انقلابی و مومکراتیک حل خواهد بود .

کسان دیگری که وحدت ملتهای مختلف ایران را در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم و بعناوین کوناگون ، برهمنیزند و آنهاسی که با آن ملت را به تکروری و جدائی از ملت‌های دیگر برمی انگیزند حاصلی جز ترغیب نیروهای ملی و ضد امپریالیستی ، جز تضعیف این نیروها و جز تکلیف به ارتجاع و امپریالیسم ، جز به عقیانده اختن حل مسئله ملی بیارنخواهند آورد . روزیونیست‌های ایران که بجای " اتحاد کلا میاشند و تا کاستنی مبارزه طبقاتی بیولنا ریائی تمام ملل ساکن یک کشور " ، کتوصیه‌های لنینی است ، در واقع به قدر الینیم سازمانی تن در داده اند بدان علت است که از انقلاب ایران روی بر تافته اند و مسئله ملی را در ایران در د اثره منافع شوونیستی روزیونیست‌های شوروی مطرح میسازند . روزیونیست‌ها مسئله ملی را در رجا رچوب و رقابت بورژوازی‌های ملل مختلف ایران (مثلاً بورژوازی تهرانی و تبریزی) محدود کرده اند . ماهیت مسئله را که تضاد میان توده های وسیع این ملل از یک سو و امپریالیسم از سوی دیگر است از یاد میسند . استالین در موقعی که مسئله ملی را در یوکوسلاوی تحلیل میزد (ژوئن ۱۹۲۵) نظریه افرادی را که مومکراتیک اشتباهی نظیر همین اشتباه میشدند و رقابت میان بورژوازی " اسلونی " و " کرواسی " را از یک سو و بورژوازی " سوس " را از سوی دیگر اسرار قرار میدادند خطا میسند . وی چنین سؤال میداد : " امروز که مسئله ملی از صورت مسئله ای محلی و داخلی یک دولت بصورت مسئله ای جهانی و بصورت مسئله مبارزه مستعمره ها و ملت‌های وابسته بر ضد امپریالیسم در آمده است ماهیت آن چیست ؟ " و آنگاه چنین پاسخ میآورد : " امروزه ماهیت مسئله ملی عیارست از مبارزه توده های خلق مستعمره ها بقیه در ص ۳

مناسبت بیست و هفتمین سالگرد تأسیس حزب کارآلبانی

پرتوافکن باد حزب کار آلبانی

روزنیاد گذاری حزب کارآلبانی (۸ نوامبر ۱۹۴۱) روز فخرنده ای است . در چنین روزی حزبی بظهور رسید که حفظ خلق آلبانی را در مبارزه‌های بحرنیض را چنان فاشیست و در انقلاب سوسیالیستی و در ساختمان سوسیالیسم رهبریت بی‌مثلی بصورت پاسدار هشیار مارکسیسم - لنینیسم در مقامی جهانی در آمد .

حزب کارآلبانی از آغاز تأسیس خود تحت رهبری مارکسیست - لنینیست بزرگ رفیق انور خوجه بر پایه استوار ثنوری و سیک انقلابی مارکسیستی - لنینیستی مستقر گشت . از نخستین روزها آنرا لنینیسم در مومکراسی پیرواسته بود ، در آرزوی خلق آلبانی بر مبارزه و صلح تکیه کرد . در راه تحصیل قدرت سیاسی پیوسته به انقلاب قهرآمیز وفادار ماند ، و در یکتا ثوری بیولنا ریائی از گزند دشمن داخلی و خارجی مصون داشت که در ساختمان سوسیالیسم بر ثنوری خلق تکیه ور کشور آلبانی را که روزی عقب ماند ترین کشور اروپا بود بصورت جمهوری شکو - فان سوسیالیستی در آورد .

در تبرید عطیگی که میان مارکسیسم - لنینیسم و زیکسو و روزیونیسم - معاصر از سوی دیگر گرفت حزب کارآلبانی در صفوف مقدس مارکسیست - لنینیست ها بصورت رزمندگی آموخته و روشن بین قدم هر سه گذاشت . حزب کارآلبانی که در مبارزه با ندهتو تجربه اندوخته بود در شناخت ماهیت روزیونیست های شوروی و افتخار آنها و کویسندن مواضع ایدئولوژیک و سیاسی آنها نقش تاریخی خطیر ویرا فتحاری بازی کرد و میسند . روزیونیست های خرو شجفی از هیچ نقطه ای بر ضد جمهوری توده های آلبانی و حزب بزرگ آن باز نیامدند ، کلیه قرار داد های اعضای و سازمانی طرفین را از هم ریدند . صدمات عظیم به ساختمان سوسیالیسم در آلبانی وارد آوردند ، بخرا بکاری دشمنان داخلی آلبانی توسل جتندند و از تریون کتوره ۲۲ صریحانه سرنگون ساختن دولت آلبانی ندادند . مولی حزب کارآلبانی به رهبری رفیق انور خوجه مانند سنگ خارا بر جای ماند ، پاسداری از مارکسیسم - لنینیسم و اولانتر از هر چیزی دیگر است و یا تکیه بر توده ها در رنبرد در جبهه ایدئولوژیک سیاسی و اقتصادی و بعبور زبهای درخشان نائل آمد .

گذشته و آینده

باید از گذشته برای آینده پند گرفت . این قولی است که جعلی بر آنند . اما بررسی گذشته فقط بخاطر آنست که بر راه حال و آیند پرتوافکنند و بعبار از آن بازو شتی بیشتری بسومزل مقصود برسانند ، نه آنکه ما در رخون فورید و از مبارزه بازدارند . اگر باید از گذشته آموخت ، نباید آنچنان در گذشته عرق شد که حال و آیند را فراموش کرد . ما به گذشته مانند کسانیکه میخواهند گوشه پاکوشه‌های تاریخ مینامدند و از تاریخ کردنند نمی نگرم . برای ما آنچه که در درجه اول اهمیت است مبارزه حال و مبارزه آیند است . نگاه ما بگذشته بخاطر این مبارزه است و لا غیر . سازمان ما که مارکسیسم - لنینیسم و پند شده ما توده‌نگر راستاره راهنمای خویش قرار داده و بایند گرفتن از گذشته و با توجه به تضاد های ماهوی جامعه ما یک رشته وظائف و در درجه اول وظیفه احیا حزب طبقه کارگر را در برابر خویش قرار داده و در انجام آن بایکیری میشود . آیا سازمان ما با آنچه که از بررسی گذشته آموخته و آنچه که از شناسائی جامعه ایران در دست دارد و بر اساس آن بتحدین وظائف میرم خویش پرداخته میتواند فعالیت خود را آغاز کند و آنرا به پیش براند ؟ بنظر ما پاسخ ایسن سؤال بدون شک مثبت است .

اما سانی هستند که بگذشته چسبیده اند و گذشته را مفتاح باب آیند میسازند . بیاری آنها بدون آنکه گذشته نهخت کارگری ایران در زمان جزئیات آن روشن شود کویا بهیچکوشه فعالیتت نیوان دست زد و نباید دست زد . شکست آنکه خود در اینراه کام کوچی هم بر نمیدارند و آنرا به سازمان ما ارجاع میسند آنها پیوسته در رهه جاگد گشته حزب توده ایران و اشتباهات او و معروض آنرا بیان میکنند . هدف آنها در واقع این است که ما را به گذشته میگرد بشتد و مانع از آن کردند که ما در راه اجرای

صفوف سازمان را به گستریم

رفقای سازمانی

با این آموزش رفیق ما شوتسدون توجه کنید :

" نباید از ترس اینکه ما با اعمال دشمن حزب رختند درها ی آن را بست . رهنمون ما اینست که ما بد صفوف حزب را جورا نه کشتش دادیم . معذک در حالیکه صفوف حزب را جورا نه کشتش میدیم نیا بد عمل دشمن و نظرا آن سیاسی غا فل ندیم و بگذریم که آنها با استفاده از زغفلت ما در صفوف حزب رخنه کنند . اگر فقط در فکر یک جانب کار باشیم و جانب دیگر را از دیده فرود گذاریم دچار اشتباه گشته ایم .

یگا تمسایست صحیح چنین است :

صفوف خود را جورا نه بگستریم ولی به هیچ عنصر زینکار ی مجال ورود ندهیم . "

وظائف خود را بر ابریم .

چنگ انداختن در گذشته و لجابت در این امر که بدون تحلیل تاریخ گذشته اقدام بهیچ عملی ممکن نیست یک شیوه مبارزه با سازمان ما است . مخالفین سازمان ما با طرحن مسائل مربوط به گذشته و کسیند . رفقای سازمانی ما به این مباحثات در واقع آنها را از کار مثبت باز میدارند و در راهی میاندازند که سرانجام نمیتواند داشته باشد . سازمان ما در طول یک سال فعالیت خود توانسته است افکار روان دشمن بسیاری را بخود جلب کند . ایسن موفقیت مادیون خطمنی سازمان و بیگیری در پیش بردن آنست . کسانیکه با سازمان ما مسروافت نند از تبه به انواع وسائل توسل میجویند از بشرف آن جلوگیری و چون ایرادی اساسی به خط مشی و نظریات ما نمیتواند گرفت ناچار مبارزه خود را در مقاطع دیگری میبرند . مشغول گردانیدن سازمان ما بگذشته حزب توده ایران نیز وسیله‌ای برای نبل مقصود است . از اینجهت ما کسه رفقای ما باید در این مسئله مسائل هوشیاری بسیاری از خود نشان دهند و در دام مخالفین نیفتند ، در نظریات بصورت مخالفین خستند و خردند شد و کار ما بشرفت نخواهد کرد .

مارکسیست - لنینیست های ایران به صحت راهی که بر سر کزید مانند ایمان دارند آنها تمام هم خود را بدان ضرورخواهند داشت که برای انجام وظائف خود متناسب با اوضاع و احوال کنکرت راه‌هایی بیابند و گام بگام به پیش روند . بیقتن آنها موانعی را که بر سر راه آنها قرار میگیرد ، با هوشیاری به کنار میزنند .

زبان طرح مسائل گذشته برای سازمان ما و رفقای ما بهیچین محدود و نیشود . زبان مبرمانت بزرگ و خطرناکتری از آن عایسد سازمان ما میگرد . هنگامیکه مسائل مربوط بگذشته حزب توده ایران مطرح میشود مخالفین حزب با آزادی کامل میتوانستند نظریات خود را بگویند و برای آنها میدان بیان باز است که در باره " ما هینشند ، بورژوازی " حزب " اشتباهات آن و وحشی " خیانت " های آن هر مطلبی را که اراده کنند عنوان نمایند .

معامات امنیت ایران که با چنین نظریاتی موافقت دارند از گذشته های آنها نه تنها اشتداد سندی علیه آنها نخواهند کرد . بقیه در ص ۳

پیروز باد جنگ توده‌های خلق قهرمان ویتنام